

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش ریاضت و مجاهده در رسیدن به شناخت و حقیقت

(با توجه به احوال و اقوال بایزید بسطامی ، ابوالحسن خرقانی و شیخ
ابوسعید ابوالخیر)

علی محمد احمدی نژاد

فهرست مطالب و مندرجات

۹.....	مقدمه.....
۱۰.....	موضوع و بیان سؤال های اصلی:.....
۱۱.....	فرضیه.....
۱۱.....	اهداف کتاب.....
۱۱.....	ضرورت و پیشینه ی تحقیق:.....
۱۴.....	روش کار:.....
۱۵.....	فصل دوم زندگی نامه.....
۱۵.....	زندگی نامه ی بایزید بسطامی.....
۱۶.....	خانواده ی بایزید.....
۱۶.....	استادان بایزید در تصوّف.....
۱۷.....	معاصران بایزید:.....
۱۸.....	میردان خاص بایزید:.....
۱۸.....	شخصیت معنوی و مقام عرفانی بایزید.....
۲۲.....	شطحيّات بایزید.....
۲۴.....	پایان زندگانی.....
۲۶.....	زندگی نامه ی ابوالحسن خرقانی.....
۲۷.....	عقاید شیخ ابوالحسن:.....
۲۹.....	مقام عرفانی ابوالحسن:.....
۳۰.....	ابوالحسن و دیگران:.....
۳۰.....	دیدار ابن سینا و ابوالحسن:.....
۳۱.....	دیدار ابوسعید و ابوالحسن:.....
۳۳.....	ملاقات سلطان محمود بابوالحسن:.....
۳۴.....	آثار شیخ ابوالحسن:.....

- ۳۵..... پایان زندگانی:
- ۳۵..... زندگی نامه ی ابوسعید ابوالخیر.....
- ۳۶..... استادان ابوسعید در علوم و تصوف:
- ۳۷..... دیدگاه ها و سخنانی درباره ی ابوسعید:
- ۳۹..... عقاید ابوسعید:
- ۴۰..... دیدار ابن سینا و ابوسعید:
- ۴۱..... آثار ابوسعید ابوالخیر:
- ۴۲..... پایان زندگانی.....
- ۴۳..... فصل سوم(ریاضت-ها.....
- ۵۱..... ریاضت بایزید بسطامی :
- ۵۳..... قناعت.....
- ۵۴..... صبر یا تحمل رنج و بلا در راه خدا.....
- ۵۶..... تقوا
- ۵۸..... خلوت و عزلت گزیدن
- ۵۸..... مجاهدت های مستمر.....
- ۶۰..... تهذیب نفس یا ریاضت نفس.....
- ۶۲..... اخلاص و حضور قلب در نماز.....
- ۶۳..... نکوهش مال و ثروت دنیایی
- ۶۵..... جوع و گرسنگی
- ۶۶..... مجاورت در مسجد.....
- ۶۷..... غیرت
- ۶۸..... رعایت ادب
- ۶۹..... زهد
- ۷۰..... شرم و حیا
- ۷۱..... خوف از خدا
- ۷۳..... ریاضت ابوالحسن خرقانی:.....

۷۳.....	نگاهداشت یا نفی خواطر
۷۵.....	ریاضت نفس یا تهذیب نفس.....
۷۹.....	جوع و گرسنگی
۸۲.....	انقطاع و اجتناب از لذّات دنیوی یا نکوهش دنیا
۸۳.....	اخلاص در عمل.....
۸۴.....	تفکّر و تأمل.....
۸۵.....	حسابرسی اعمال.....
۸۶.....	روزه
۸۷.....	حزن و اندوه همیشگی.....
۸۸.....	خوف از خدا.....
۹۰.....	ریاضت ابوسعید ابوالخیر:.....
۹۰.....	ریاضاتی که بر زبان خود شیخ جاری شده است.....
۹۲.....	آنچه اصحاب و عوام از ریاضت ابوسعید نقل کرده اند
۹۵.....	ریاضت نفس
۹۷.....	زهد.....
۹۸.....	از دیگر موارد ریاضت ابوسعید.....
۹۹.....	مقایسه ای در باب ریاضت های بایزید، ابوالحسن و ابوسعید.....
۱۰۲.....	فصل چهارم) برداشت ها و ثمرات.....
۱۰۵.....	شناخت و معرفت.....
۱۰۷.....	فنا و بقا.....
۱۱۳.....	کشف و شهود.....
۱۱۹.....	حیرت و دهشت.....
۱۲۱.....	کرامت ::.....
۱۲۲.....	کرامات بایزید.....
۱۲۵.....	کرامات ابوالحسن.....
۱۲۹.....	کرامات ابوسعید.....

عشق و محبت	۱۳۲
شوق	۱۳۶
وقت	۱۳۷
یقین	۱۴۰
بصیرت	۱۴۲
فصل پنجم) از کوشش به کشش (جذبه)	۱۴۶
از کوشش به کشش (جذبه)	۱۴۶
نتیجه گیری	۱۵۵
فهرست منابع و مآخذ	۱۵۷

مقدمه

موضوع این کتاب رسیدن به حقیقت از طریق ریاضت و مجاهده با تکیه بر احوال و دیدگاه چند تن از عارفان خراسان (بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر) است که در آن بحث ریاضت و مجاهدت در زندگی این عارفان بررسی شده تا چگونگی رسیدن به شناخت و حقیقت به کمک مقوله‌ی ریاضت تبیین شود. چنانچه می‌دانیم ریاضت یکی از محورهای اساسی عرفان است که در این راه سعی عارف تحمل رنج و تعب به منظور تهذیب نفس و تربیت خود است. عارف با تکلف در عبادت و بیداری شب، ترک معاصی و انجام مستحبات نفس را رام و مطیع خود می‌سازد. در این پژوهش سعی شده است با روشی توصیفی-تحلیلی به بیان ابعاد و گونه‌های مختلف ریاضت در زندگی این سه عارف پرداخته شود و نتایج و بهره‌های حاصل از ریاضت و مجاهده نشان داده شود. آسیب‌شناسی این موضوع نیز از مسائلی است که در حد کفایت به آن اشاره شده است. این کتاب در مجموع از پنج فصل تشکیل شده است که به ترتیب عبارتند از: کلیات تحقیق، زندگی‌نامه‌ی این سه عارف، ریاضت‌ها، ثمره و برداشت‌ها و فصل‌نهایی با عنوان از کوشش به کشش. در پایان نیز نتیجه-گیری کلی ذکر شده است. حاصل تحقیق آن است که هر سه عارف مذکور برای رسیدن به شناخت و حقیقت خود را ملزم به داشتن زندگی ریاضت‌گونه دانسته و در واقع ریاضت، اساس زندگی آنان را تشکیل می‌دهد.

کلید واژه‌ها: ریاضت، مجاهدت، حقیقت، بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، ابوسعید ابوالخیر.

فصل اول

تعریف موضوع و بیان سؤال های اصلی

ریاضت در لغت به معنای جلوگیری و بازداشتن چارپایان است از حرکات آزاد و دلخواهشان و در اصطلاح دینی عبارت از بازداشتن انسان از هواهای نفسانی خویش و فرمان دادن و وادار کردن آن برای اطاعت از امر پروردگار است (یثربی ، ۱۳۸۲: ۲۶۹-۲۶۸). ریاضت در اصطلاح عرفا تمرین دادن و آماده ساختن روح جهت دریافت انوار و تجلیات الهی می باشد (رودگر، ۱۳۸۲ و ۸۳: ۲۸۵). اما آنچه به طور عام در مورد تعریف ریاضت مطرح است این است که ریاضت، تأدیب نفس و تحمیل سختی و رنج به بعد جسمانی و نفسانی است تا به این طریق انسان تن به یک سلسله اعمال دهد و به اصطلاح ریاضت کشد تا قلب و دل او در پرتو ریاضت از آلودگی های صفات نفسانی و علائق دنیوی پاک شود. هدف نهایی همه ی مشقات و ریاضاتی که عارف و سالک راه حق تحمل می کند و به ویژه هدف عارفانی چون بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر که همگی اهل ریاضت و مجاهده بوده اند؛ برای پیوستن به حقیقت مطلق است. انسان همیشه عشق و علاقه ی خاصی به کشف حقیقت ناب و دور از هرگونه کثرت و تمایز داشته و در راه رسیدن به آن همواره در تلاش و تکاپو بوده؛ بنابراین تمام تعالیم مشایخ و مجاهده و کوشش مریدان جهت آن است که به این موهبت عظیم نایل آیند.

یا زگاف و لام گل، گل چیده ای	"هیچ نامی بی حقیقت دیده ای
مه به بالا بین نه اندر آب جو	اسم خواندی رو مسمی را بجو
پاک کن خود را ز خود هین یکسری	گر ز نام و حرف خواهی بگذری
در ریاضت آینه ی بی زنگ شو	همچون آهن ز آهنی بی رنگ شو
تا ببینی ذات پاک صاف خود	خویش را صافی کن از اوصاف خود
بی کتاب و بی معید و اوستا"	بینی اندر دل کتاب انبیا

(مولوی، ۱۳۷۵: ۱۵۴/۱)

اینک سؤال های اصلی

۱- نقش ریاضت در رسیدن به حقیقت چگونه است؟

۲- آیا ریاضت این عرفا (بسطامی، خرقانی و ابوالخیر) همسانی دارد؟

۳- آیا همگی به مجاهده و کوشش اعتقاد داشتند یا صرفاً به جذبۀ می اندیشیدند؟

فرضیه :

۱- نقش ریاضت و مجاهده در رسیدن به حقیقت و شناخت حائز اهمیت است.

۲- سبب نظر می رسد ریاضت این عرفا (بسطامی، خرقانی و ابوالخیر) همسانی دارد.

۳- سبب نظر می رسد همگی عرفای مذکور به مجاهده و کوشش اعتقاد راسخ دارند و کوشش را مقدمه ی کشش الهی می دانند.

اهداف کتاب:

هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش مجاهده در رسیدن به شناخت و حقیقت است و بیان اینکه ریاضت عارفانی چون: بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر همسانی دارد و همگی این عرفا به مجاهده و کوشش اعتقاد راسخ دارند و معتقدند که کوشش سالک مقدمه ی کشش الهی است و تا سالک مجاهدت ها و ریاضت ها را به جان نخرد، مشمول عنایت و جذبۀ الهی نمی شود. همچنین با توجه به زندگی و احوال تقریباً مشابه این عرفا، رمز گشایی از زندگی و افکار این عارفان هدف کلی این رساله می باشد.

ضرورت و پیشینه ی تحقیق

قبل از هر توضیحی راجع به به پیشینه ی تحقیق لازم به ذکر است که قسمت عمده ای از آثار نظم و نثر زبان و ادب فارسی را مباحث عرفانی تشکیل می دهد و از طرفی یکی از موضوعات مهم عرفانی ریاضت است. ریاضت در عرفان اسلامی و به طور مشخص از دیدگاه عارفان خراسان از

اهمیت خاصی برخوردار است. ریاضت مهمترین مشخصه‌ی عارفان مدنظر ما، یعنی بسطامی، خرقانی و ابوالخیر است.

در خصوص ریاضت‌های این عرفا و ثمرات آن تا کنون هیچ تحقیقی انجام نگرفته است. نه تنها در خصوص ریاضت عرفای مذکور، بلکه مشخصاً با عنوان ریاضت نیز تا کنون پژوهشی در عرفان اسلامی به رشته‌ی تحریر در نیامده است. با این حال، در کتب تعلیمی عرفانی به این امر توجه ویژه و گسترده‌ای شده است.

مهمترین کتاب‌های مؤلفان صوفیه که در آنها در خصوص ریاضت بحث شده است عبارتند از: کیمیای سعادت (امام محمد غزالی)، احیاء علوم الدین (امام محمد غزالی)، عوارف المعارف (شیخ شهاب الدین سهروردی)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه (عزالدین محمودبن علی کاشانی)، اللمع فی التصوف (ابونصر سراج طوسی)، رساله‌ی قشیریّه (ابوالقاسم قشیری).

در میان این کتاب‌ها، کتاب‌های کیمیای سعادت و احیاء علوم الدین امام محمد غزالی بیش از همه و به طور گسترده به بحث ریاضت پرداخته‌اند؛ تا آن جا که جلد چهارم کتاب ارزشمند احیاء علوم الدین و قسمت عمده‌ای از کتاب کیمیای سعادت تحت عنوان مهلکات و منجیات به بحث ریاضت مربوط می‌شود. در این دو کتاب روی هم رفته در حوزه‌ی ریاضت عرفانی به مسائلی از قبیل ادب، فقر، ریاضت نفس، روزه، ابعاد و شیوه‌های ریاضت، ضرورت راهنمایی‌های پیر و استاد، حجاب‌ها و موانع اتصال به حقیقت و ... بحث شده است. با این حال نقدی که می‌توان به این دو اثر ارزشمند داشت این است که به مقوله‌ی ریاضت چگونگی و ابعاد آن فقط نگاه کلی داشته و می‌توانست به شکل جزئی و اختصاصی به اقسام مختلف ریاضت و به خصوص مصادیق آن در زندگی عرفا بپردازد که این کار انجام نشده است و نیز جای فصلی مختص به شرح حال عرفا و مجاهدت‌هایشان خالی است.

در بررسی دو کتاب عوارف المعارف و مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه که از مطالب و مضامین تقریباً یکسان برخوردارند، می‌توان گفت که کتاب عوارف المعارف مشتمل بر (۶۳) باب است که در حوزه‌ی مسائل عرفانی به مسائلی مانند آداب سیر و سلوک و سنن و وظایف سالکان و معارف و مقامات

و احوال عارفان و اصطلاحات صوفیه پرداخته است، ضمن آنکه در هر باب به طور اختصار آنچه لازمه‌ی تحقیق و نقل روایات و حکایات استنبیان شده است؛ اما کتاب مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه مشتمل بر ده باب است که در حوزه‌ی مسائل عرفانی به مسائلی از قبیل اعتقادات متصوفه، معارف، اصطلاحات و مستحسنان صوفیان، آداب و اخلاق، اعمال مذهبی از واجبات و مستحبات، مقامات و احوال پرداخته است. بنابراین هر دو اثر دارای مطالب مشابه و نظیر هم است و بیشتر به این خاطر است که «مبنی و مأخذ و اصل عمده‌ی عزالدین محمود درتألیف مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، کتاب عوارف المعارف است.» (کاشانی، ۱۳۸۸: ۲۴). به هر حال در این دو کتاب اگر چه در موضوع تصوف ممتاز و منحصر به فردند؛ خلاء فصلی مختص به ترجمه‌ی حال عرفای نامدار و به تبع اشاره به مجاهدت و ریاضت عرفانی مشهود است.

کتاب اللّمع فی التّصوّف که درباره‌ی سیر و سلوک صوفیانه در ایران است، در چهارده فصل نوشته شده که در خلال بیشتر بخش‌ها به ویژه فصل دوم مختص به اصول و مقامات صوفیان، فصل پنجم: دریافت‌ها و برداشت‌ها، فصل هفتم: مراسم و آداب صوفیان از جمله وضو، طهارت، نماز، زکات، روزه و... فصل نهم: مکاتبات، خطبه‌ها، دعاها و رسایل صوفیان، فصل دوازدهم در اثبات علامات و کرامات صوفیان، بیشترین مسائل مربوط به تصوف و ریاضت عرفانی بیان شده است. ابونصر در این اثر از دویست صوفی مهم همزمان یا پیش از خود نام می‌برد که از وجوه اهمّیت این کتاب است. همچنین این اثر منبعی با ارزش و غنی از تأویل‌های عرفانی و سخنان عارفان و اهل تصوف است. با این حال در این کتاب بهره‌گیری و استفاده‌ی نویسنده از آیات قرآن تا جایی است که در برخی از صفحات و گفتارها شاید متن آیه و تفسیر آن، بیش از سخن خود او در همان صفحه یا گفتار باشد. ابونصر حتی در بخش پایانی کتاب در تفسیر و توجیه شطحیات نیز چنین روشی را در پیش گرفته است (رک: سراج طوسی، ۱۳۸۲: ۴۴). علاوه بر این، عیب دیگر روش ابونصر، استفاده از روایت‌های فراوان از عرفا و صوفیان است تا جایی که گاه خود سخن نمی‌گوید و خواننده را در برابر سخنان عارفان دیگر قرار می‌دهد. به عنوان مثال: «از شبلی حکایت شده که ... از احمد بن ابوالحواری حکایت شده که از ابوسلیمان دارانی نقل کرده است... یکی از صوفیان گفته است... از ابوطیب احمدبن مقاتل عکی شنیدم...» (همان، ۳۱۶).

کتاب رساله ی قشیریّه یکی از مأخذ و اسناد مهم و معتبر تصوّف است که مشتمل بر عقاید صوفیان و بیان معرفت و محبّت و شوق و وظایف مرید و مراد و اثبات کرامات اولیا و احوال صوفیان است در این اثر فصلی به تراجم رجال صوفیه اختصاص داده شده که از وجوه اهمّیت این کتاب گران بهای نثر فارسی است. در این کتاب به ذکر حالات و مقامات و منازل عرفانی که در عرفان اسلامی همان ریاضت ها می باشند، پرداخته شده و سپس در بیان هر کدام از این حالات و مقامات عرفانی ابتدا آیاتی از قرآن و سپس احادیثی از پیامبر اسلام (ص) و در نهایت روایاتی از بزرگان دین و عرفای مشهور برای توجیه و تأیید موضوع آورده شده است. با این عمل نشان داده شده که عرفان اسلامی مشربی بر گرفته از دین اسلام دارد و به تبع هر عمل عبادی که انجام می گیرد باید توجیه قرآنی و سنّت داشته باشد. با این حال نویسنده در تعریف این ریاضت ها و یا حالات و مقامات فقط به ذکر چند آیه و حدیث و نیز روایات عرفا و بزرگان دین اکتفا کرده و غالباً از خود و سخنش خبری نیست. بنابراین در شرح و تفسیر اقسام ریاضات و ثمرات آن آنطور که باید و شاید موفق عمل نکرده است.

روش کار:

روش انجام این کتاب بر مبنای گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها بوده است. بدین نحو که با مطالعه ی متون نظم و نثر معتبر عرفانی در جهت آشنایی با زندگی، احوال و اقوال این عرفا، اطلاعات لازم جمع آوری شده است و با تجزیه و تحلیل این اطلاعات نتایج به دست آمده ذکر شده است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که نقل احوال و گفتار این عرفا به معنای درست بودن و قبول داشتن آنها نیست. این پایان نامه از پنج فصل تشکیل شده است. در فصل نخست کلیّات تحقیق بیان شده است. در فصل دوّم زندگی نامه ی این سه عارف یعنی بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر به ترتیب ذکر شده است. در فصل سوّم ریاضت ها در سه قسمت به ترتیب تحت عناوین ریاضت بایزید، ریاضت ابوالحسن و ریاضت ابوسعید بیان شده است. در فصل چهارم ثمرات و برداشت های ریاضت ها در زندگی این عارفان بیان شده است و در فصل پنجم تحت عنوان از کوشش به کشش (جذبه)، ریاضت به عنوان مقدمه ای جهت رسیدن به کشش الهی مطرح شده است

فصل دوم

زندگی نامه

در این فصل زندگی نامه‌ی این سه عارف برجسته‌ی خراسانی به ترتیب با عناوین زندگی نامه‌ی بایزید بسطامی، زندگی نامه‌ی ابوالحسن خرقانی و زندگی نامه‌ی ابوسعید ابوالخیر، به طور مفصل و همه جانبه و با بررسی زوایای مختلف زندگی آنان ارائه می شود.

زندگی نامه ی بایزید بسطامی

آغاز حال

ابویزید طیفور بن عیسی بن سروشان بسطامی ملقب به سلطان العارفين و مشهور به بایزید بسطامی در نیمه‌ی اول قرن دوم هجری در شهر بسطام از ایالت کومش (قومس) در موبدان بسطام در خانواده‌ای نو مسلمان و متقی چشم به جهان گشود. وی یکی از بزرگترین و نامدارترین صوفیان سده ی سوم هجری ایران بوده است. «نیای او سروشان چنانکه از کلمه بر می آید زرتشی بوده و سپس اسلام آورده است.» (حلبی، ۱۳۸۳: ۳۱۲). تاریخ تولد او دقیقاً معلوم نیست، برخی تولد او را در سال ۱۸۰ و برخی ۱۶۱ ه.ق می دانند (یغمایی، ۱۳۶۷: ۷۷).

بایزید در بسطام با سادگی و بی آلاچی می زیست. در تابستان پیراهن ساده ای می پوشید و در زمستان پوستینی بر دوش می کشید و بر حصیری می نشست. وی کودکی لاغر اندام با چشمانی درشت و سیاه بود. پیشانی بلندی داشت که دلیل بر هوش و دانایی بود. مردمی که از کنار بایزید می گذشتند از دیدن روحانیت و صفای او تعجب می کردند و بی اختیار می ایستادند و او را تماشا می کردند و زیر لب زمزمه می کردند او از "اولیاء" است «(ارباب، بی تا: ۱۴)

بایزید مذهب جعفری داشته است؛ چراکه وی مرید امام جعفر صادق(ع) و سقای او بوده است، بطوریکه امام جعفر صادق(ع) او را بایزید سقا گفته است (میهنی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۲۲-۲۱).